

وووش وووش وووش

انگار دارم
خواب می بینم...



* قدم

یعنی
می تونه...؟

وووش



هم؟
چی شده؟

وووش

اینجا شین-سی
باستانه...!

* تلق

شین-سی؟
اینجا شین-سی
-ئه؟

دنیای سایه‌ها

7 سرفروشت

چاکهو

العام از شخصیت های گروه بی تاس

قسمت ۴۰

بیشتر شبیه
صحنه‌ی فیلم
برداریه.

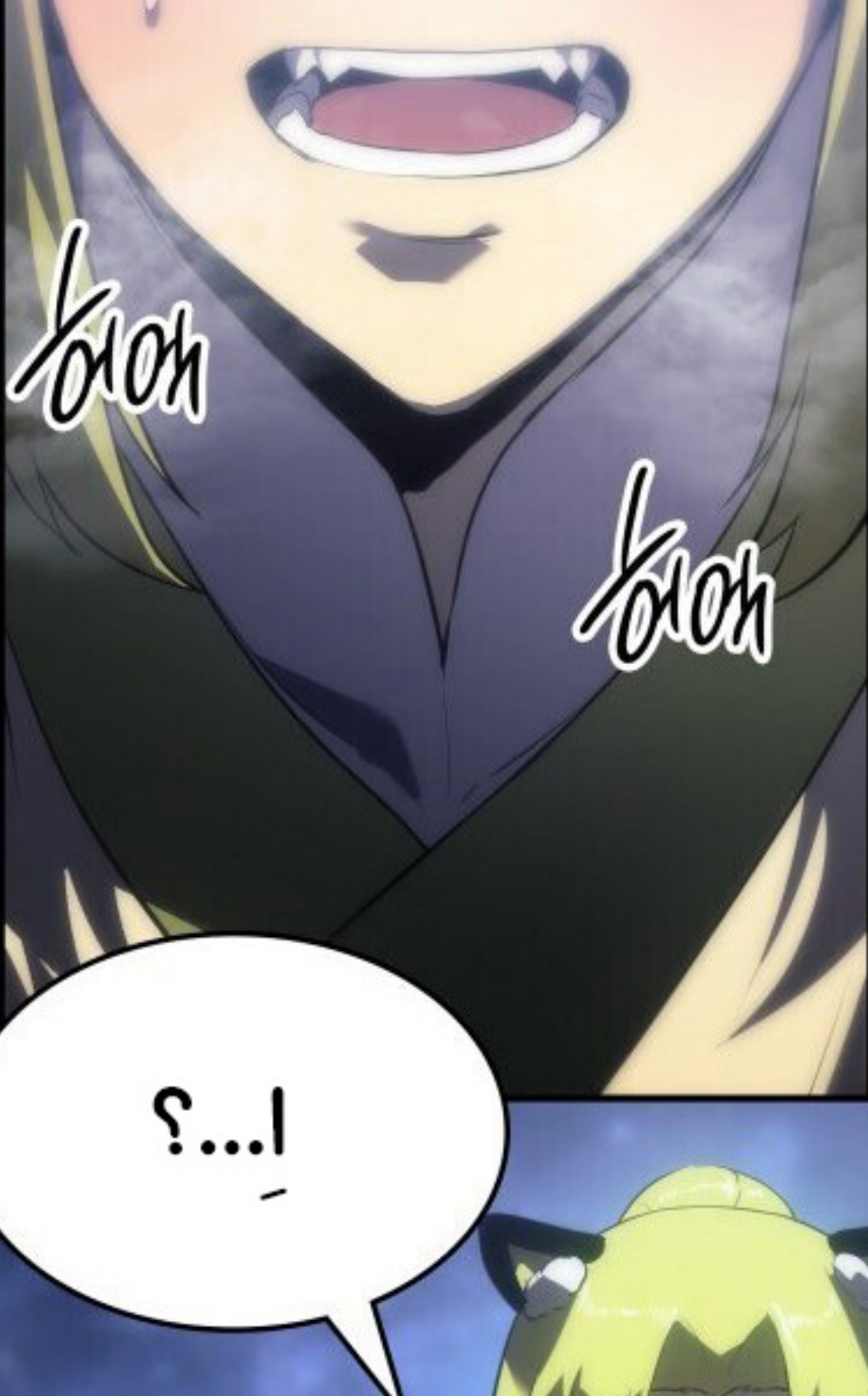
اها

اها

بینم
این ساختمان مال
دوران باستانه؟

* قدم (۲)

* هه (۲)



ا...؟



شماها برام
آشنا نیستین.

هم؟

لعنتی،
بخاطر اینکه اینجا بادی
نیست، متوجه نشدم کی
پیداش شد.

همگی، خودتون
رو جمع و جور
کنید.

رسماً توی دهن
شیر افتادیم.

اون دیکه چه
موجودیه؟

فوک

* ویش

هیچ حشمت
و محصومتی درش
احساس نمی‌کنم.

یعنی بخاطر اینکه
که مطمئن می‌تونم ما رو
شکست بده حتی وقتی
که چونش در خطریم؟

مالسوک!
قایم شدی؟ می خوایم
دنبالت بگردیما.

بینم من
مزاحمتون
شدم...؟

اگه اینطوره،
عذر می خوام.

مالسوک...



* مکث



* گرفتن

!!?

زها!

فقط یه بوم
جوونه...



اووه!



وای!
شمشیر!

مالسوک!

تو بودی که خواستی
قائم باشک بازی کنیم، اما
الان خودت داری تنهایی با
این شمشیر باحال بازی
می کنی؟ واقعا که!



الآن واقعا وقتش نیست که مخاطرات بچگیم یادم بیاد...

هاه؟
اینا که دم و گوش ندارند.

وایستا پیپیم، اینا همون آدمای قبیله‌ی گام نیستن که نارائه دربارہ شون پهمون گفته بود؟!



بچه‌ها، شما نارائه رو می‌شناسین؟

آقا! شما هم، می‌شناسینش؟



نارائه خوشگل‌ترین معلم توی آموزشگاهمونه.

وقتی بزرگ شدم می‌خوام باهش ازدواج کنم!

امیدوارم بتونم زودتر بینمش...



احیاناً...

... شما جوآن
نیستید؟

.....

بینم، پس کشتن
تک تک بومها چی
شد؟

صلح با بوم؟

برو به جادینگ
چرت و پرت بگو.

عظا هیچ راه
بالمست آمیزی وجود
نداشته تا با این هیولاهای
قاتل صلح کنیم.

خفه شو...

آخه چطور می تونم
بکشمشون...؟



* ترکی

شکاف



* ترکی (۵)

چه خبر
شده؟

زمین داره
شکاف برمی داره!

* رعد

مالسوک!

بازم هستن؟

روستایی‌ها؟

ا؟ این آقایون
جوان خوش تیپ
کی هستن؟

* رعد

مادربزرگ
سونی!

اوه! تقریباً
فراموش کردم
برای چی اومدم
اینجا!



مالسوک! اینجا
داره از هم می‌پاشه.
باید فرار کنیم،
حالا!

اینجا زیاد
دووم نمیاره!

چی؟

وقت برای
توضیح نیست!
بیاین، دنبالمون
کنین!

* رعد

چرا دنیای
سایه‌ها رو ترک
نمی‌کنید؟

* رعد

.....

اینطور نیست که
نخوایم بریم...

نمی‌تونیم
بریم.

منظورت چیه؟
بینتون کسای هستن
که رفتن.

* رعد

بوم‌های ضعیف وقتی که
دنیا سایه‌ها رو ترک کنن
کاملاً قدرت‌های باستانیشون
رو از دست میدن.

اینجوری
از نظر ارباب کاملاً
بی‌ارزش میشن.

بخاطر همینه
که نمی‌تونیم از اینجا
بریم. شیندانسو
اینجاست.

* دودن

* پریدن

* وووش

وایستا بینم،
این درخت
شیندانسوئه؟

بله،
درسته.

اگه بخوام دقیق‌تر بگم،
این فقط یه درخت معمولیه.
که قسمتی از شیندانسو
بهش متصل شده.

به رشد خودش
ادامه میده و این سرزمین
رو تقویت می‌کنه.

و از اونجایی که این
درخت قدرت و زندگی
می‌بخشه، بهش درخت
دانش هم میگن.

پاورم همیشه...
دقیقا همونطور که گفت،
می توئم احساس کنم که پا
نزدیک شدن بهش قدرتم
پیستر همیشه.



هارو، حسش
می کنی...؟

آره،
می توئم.

ا؟ شونم دیگه
درد نمی کنه!



چه سر حال شدم،
انگار که تازه از یه خواب
درست و حسابی بیدار
شدم!

آره...

ازت قدرت های
گام و بوم رو احساس
می کنم.



اون
قدرت ها...

...دقیقا مثل مال
تابائه هستن.

مادر جون!
اگه حرف تابائه رو بزنی
هوپو ناراحت میشه!

قدرت های
تابائه...؟

چیزی نمیشه.
اینا خارجین.

* ترک

تک

آخ! این ترک‌ها خیلی بزرگند!

خدایا...
تا حالا اینجوری ترک بر نداشته بود.

تک

انگار که آسمون داره از هم می‌پاشه...

* ترک

هی، بچه. چی میشه اگه کل اینجا فرو بریزه؟



خب، هممون می‌میریم. بعضیاشون قبلاً افتادن، و قرار نیست برگردن.

چان؟!

یعنی می‌تونه...؟

اون دورگه نابودی به همراه هیاره.

هم؟ چی شده؟

اینجا شین-سی باستانه...!

پدر بوم

معا

مادر کام

تتاسخ تابانه

امکان نداره...



اگه اینجا
بمونیم هممون
می میریم!

باید بزنییم
به چاک!



زها؟



* وووش

بیاین همه
باهم بریم.

ببخشید...؟

جناب تابائه و هوپو
مدتها پیش دعوی خیلی
شدیدی داشتن...

و گفته شده که
جناب تابائه شیندانسو
رو تخریب کرده.

اگه شیندانسویی
نباشه، نمی تونیم از
خودمون محافظت
کنیم،

* شک داشتن (۲)

و اصلاً
نمی دونیم اون
بیرون چه خطراتی
داره...

و با این حال،
هنوزم آرزو داریم
که از اینجا بریم.

اگه قبیله‌های
گام و بوم بهم آسیب
نرسونن، شاید از دست دادن
قدرت‌های باستانی مشکلی
نداشته باشه.

ما از
همتون محافظت
می‌کنیم.

هر روز، همه ما
آرزوی برگشت به
خونمون، «شین-سی»
رو داشتیم.

برای
۴۰۰ سال.

قربان...

۴۰۰ سال زمان
خیلی زیادیه.

گمونم که دیگه
نمی‌تونیم این دلتنگی رو
توی دلمون نگه داریم.

همگی! اگه اینجا بمیریم
دیگه هیچ وفاداری به
ارباب باقی نمی‌مونه!



بیاین این آقایون
رو دنبال کنیم و از
اینجا بریم!

اگه انقدر
مطمئنی، ما هم
باهات میایم...

* رعد

ارباب هوپوو...

شاید دیگه قدرت‌های
باستانی رو همراه نداشته
باشیم، اما کنارتون
می‌مونیم.

انتظار داشتم
که همتون از تابائه
برای نابود کردن
شیندانسو متنفر
باشید...

پس چرا اون
هنوزم تابائه رو با
«جناب» خطاب
می‌کنه؟



شاید با
گفتن این از حد
بگذرم...

...اما قدیما،
ارباب هوپو هیچ
دوستی نداشتن.

با این حال، جناب
تابائه اول نزدیکشون
شد تا باهاشون
دوست بشن.

باور نمی‌کنید
که این موضوع چقدر
خوشحالمون کرد.

هاهاها



دوست...؟

ارباب هوپو
هیچوقت اجتماعی
نبودن،

هرچند ذاتاً
خیلی مهربون
بودن...

پس، ما فکر می کنیم
که اینجا یه سوء تفاهم
بزرگ پیش اومده که
جنگ این همه طول
کشیده.

اون دو نفر
از اون مدل آدمهایی
نیستن که دعوا راه
بندازن.

عزیزم...

هروقت ارباب هوپو
رو ملاقات کردی، لطفاً از
طرف من بهش بگو که این
سالمندها منتظرشن.

* وووش



* ویش



بالاخره،
روز کاشت بذر
شیندانسو رسید.

* ویش



بله. برای
این روز خیلی
صبر کردیم.



قربان!

اونجا باید مرکز
سین-سی باشه، اما
جریان انرژی اونجا
یکم عجیبه.

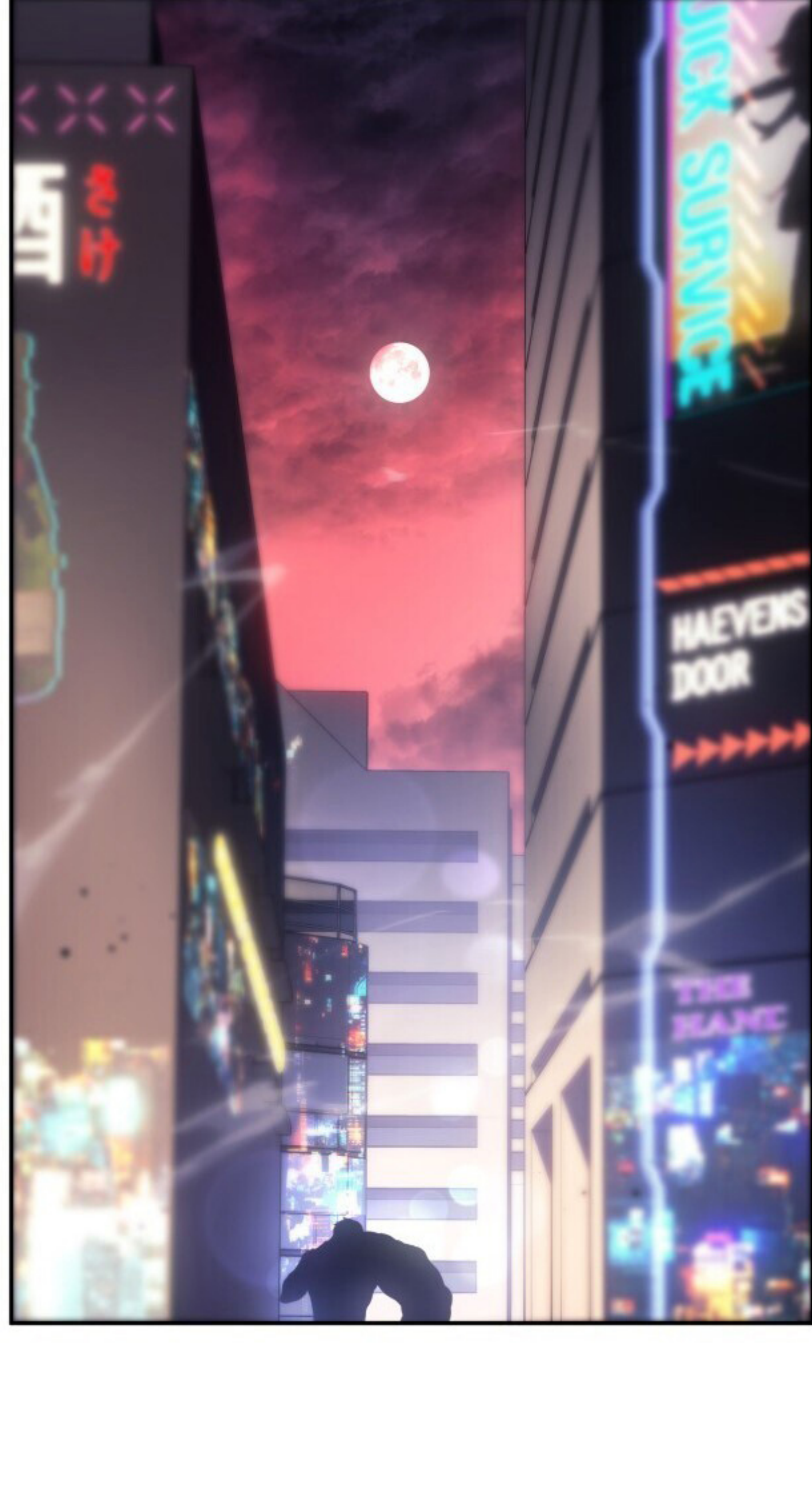
هم؟



* وووش

اون...؟

شیندانسو؟!



مارو...
باید جلوش
رو بگیری.



دیگه
حرف نزن!

فقط
حالت رو بدتر
می کنه.

* سرفه

دیگه خیلی
دیر شده...

من بدنم رو
بهتر از هر کسی
می شناسم.

* چکیدن



حتی قدرت احیای
بومها هم نمی تونه
همچین زخمی رو
درمان کنه.

انقدر ضعیف نباش!
نجات میدم، بولتی!

همین الان
گوشت و خون
بهت میدم!

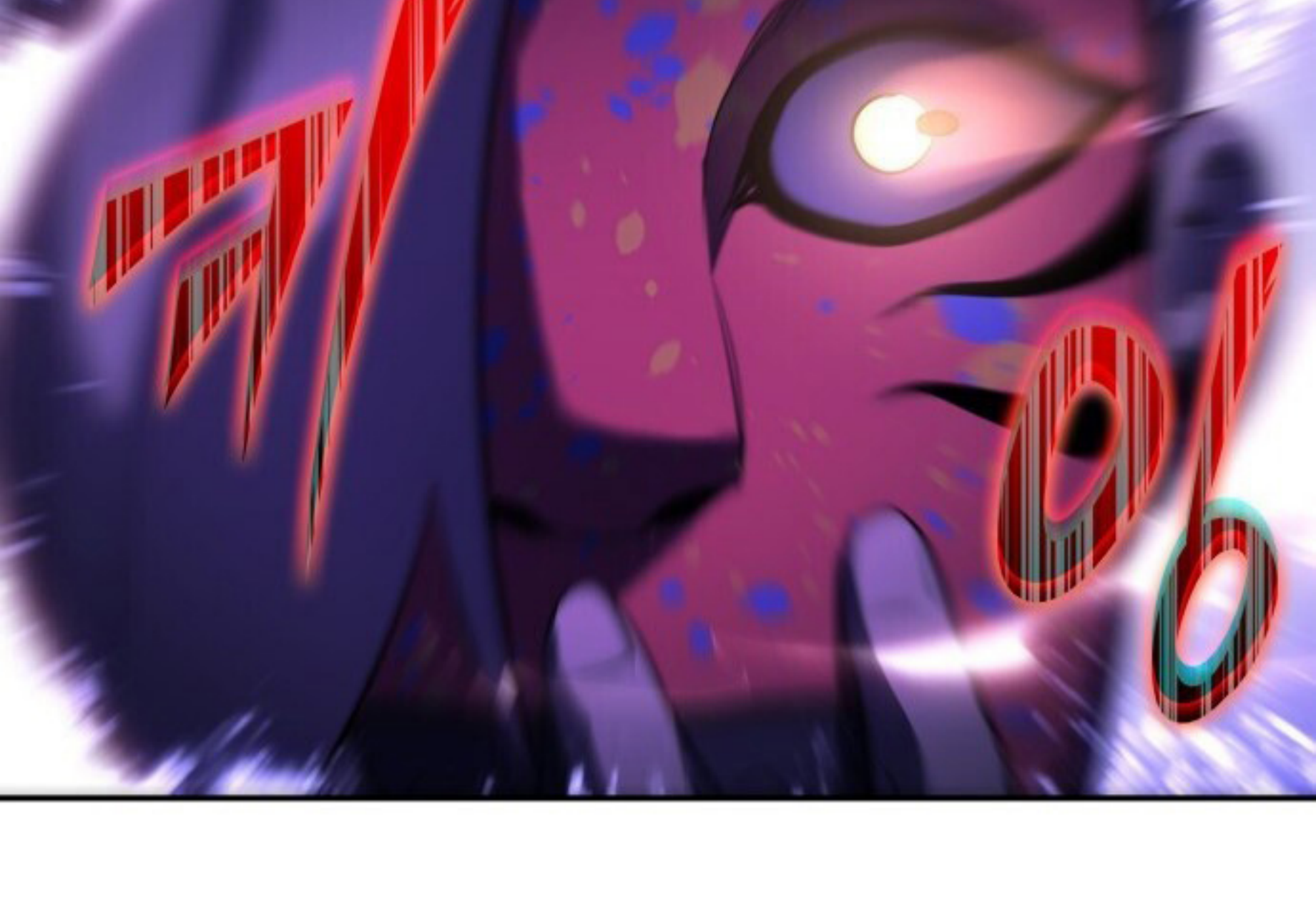


هوسو...

آه، پس من
الان آدم بده
شدم.

مارو-

* برق



آخ...

ممنونم،
هوسو...



از اونجایی که نمی تونم
جسدت رو با خودم ببرم،
آخرین حرفات رو بزن.
گوش میدم.

* لنگ زدن

بجنب و گرنه
ارباب توی خطر
میوفته.

* هوف (۲)



انگار که...
اون می خواد ارباب
رو گول بزنه.

اون؟
منظورت کیه؟

هوان وونگ.

اون همون
«برف ریزه» است،
همونی که قبلاً خودش
رو شکل تاباته
کرد...

برف ریزه؟
وایستا بینم،
منظورت...

اون بولگاسالی*
نیست که تاباته
۴۰۰۰ سال پیش
بزرگ کرد؟!!

مترجم: بولگاسال "Bulgasal"، کشنده‌ترین هیولا در اسطوره شناسی کره‌ای هستش. اسمش به معنی غیرقابل کشتنه، موجودی که انسان‌های عادی نمی‌تونن بکشنش. در توصیف سنتی اومده که بدن خرس، خرطوم فیل، چشمان کرگدن، پنجه‌های ببر، دندون‌های اره‌ای، پوست مار و دم گاو وحشی داره.

هیولایی که می‌تواند
به هر موجود زنده‌ای که
از گوشت و خونش تغذیه
کرده، بدل شود.

لطفا...
مطمئن شو که...
مارو کار احمقانه‌ای
نکنه...

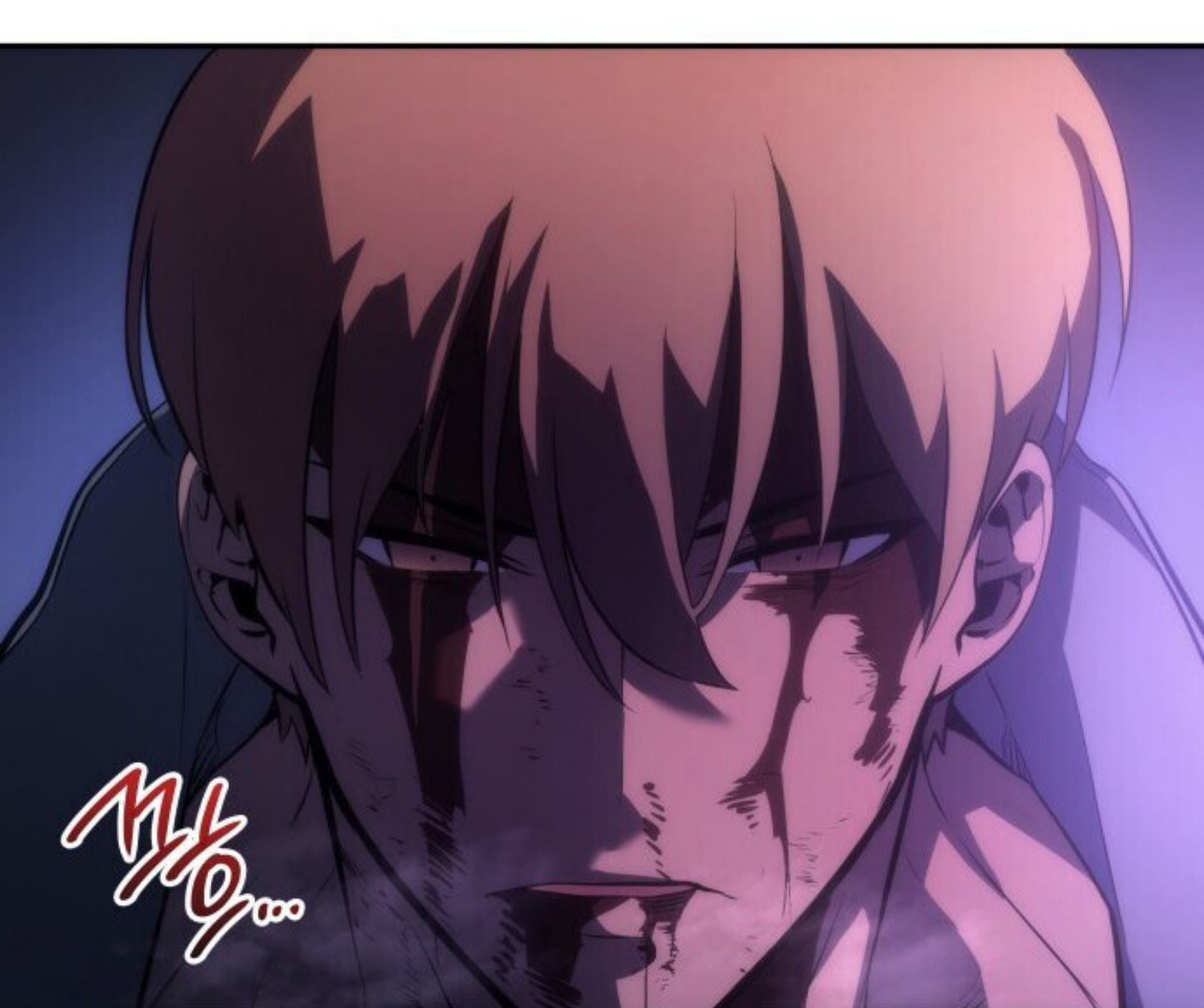
نگران نباش و
حالا استراحت
کن.

اسم هیولا
«بولگاسالی»

* چکیدن

زمین
چقدر...

...سردہ.



* آخ

بولتی.



* آخ...

وایی!
واقعا بولتیه!

لعنتی! بزار قبل از
اینکه حسابمون رو
برسه دخلش رو
بیاریم!

وووووووو



* آخخخ...

* بنگ (۴)

وقتی فهمیدم
که دیگه خیلی
دیر شده بود...



...اینکه کمان انتقام
به سمت اشتباهی نشونه
گرفته شده بود...



نارائه...

زاهو...

گمون کنم دیگه
خیلی دیر شده...



... تا از تون
عذر خواهی کنم،
نه؟

7 سرفروشت

چاکهو

المام از شخصیت‌های
گروه بی‌تاس



به ما
پیوندید
تا شادی
را برای
دیگران
به یادگار
بگذارید!!

دنیاى زینمه و مانگا